

طراحی الگوی فرهنگ سیاسی مطلوب در مدیریت راهبردی فرهنگی کشور

مهردی ناظمی اردکانی^۱؛ علیرضا زرگر^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۰۴

چکیده

«فرهنگ سیاسی مطلوب» در نظام راهبردی فرهنگی کشور، در تلاقي با دیگر اندیشه‌های راهبردی بوده و همواره گویای رویکردهای معرفت‌شناختی کنشگران سیاسی، دولتمردان و نیروهای اجتماعی است. در این عرصه، دغدغه منافع ملی، رفتار سازنده و همسازی بین کنشگران سیاسی مورد تأکید است. با نظر به تفاوت نگرش و رویکردهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی درون نظام، پیروی از نگرش واحد متصور نیست. از سوی دیگر قرار گرفتن جامعه در طیف ناهمسازی (منازعه) نیز موجب اختلاف شده و سرمایه اجتماعی نظام را دچار چالش می‌نماید. با عنایت به موارد فوق و مدنظر قرار دادن این نکته که با تغییر نظامهای سیاسی گذشته (قاجار، پهلوی اول و دوم) و استقرار جمهوری اسلامی، جامعه ایران هنوز شاهد برخی رفتارهای ناهمسازانه و اختلاف برانگیز در سطوح ملی و راهبردی می‌باشد؛ پژوهش حاضر با هدف «طراحی الگوی فرهنگ سیاسی مطلوب در مدیریت راهبردی فرهنگی کشور» به رشته تحریر درآمده است. در پژوهش حاضر از روش تحقیق استنادی، پرسشنامه و مصاحبه با چهل نفر از صاحب‌نظران خبره بهره گرفته شده است. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تکنیک تحلیل ساختار عاملی استفاده گردید که نتیجه آن ارائه «مدل مفهومی فرهنگ سیاسی مطلوب» مشتمل بر پنج عامل، سیزده مؤلفه و بیست و چهار شاخص می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت راهبردی، فرهنگ، فرهنگ سیاسی مطلوب

۱- دانشیار دانشگاه جامع امام حسین(علیه السلام) و نویسنده مسئول (رایانامه: mnazemi32@yahoo.com)

۲- دانشآموخته دکتری رشته مهندسی سیستم‌های فرهنگی دانشگاه جامع امام حسین(علیه السلام)

مقدمه

جامعه، در جهان مدرن امروز پدیده‌ای پویا، تأثیرگذار و تأثیرپذیر به شمار می‌آید. دسترسی مردم به منابع اطلاعاتی و ابزارهای ارتباط جمعی، نشان از شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی یا قدرت اجتماعی جدید است که مناسبات مدیریت سنتی را به چالش می‌کشد. این جامعه ارتباطی، به اقتضای برخورداری از ساخته‌های سیاسی نوین، نهادهای مردمی، رویکردها، نگرش‌ها، تحلیل‌ها و سلیقه‌های متفاوت، نیازمند مدیریت راهبردی فرهنگی تعامل‌گرا و همسازانه است. از اصول مشترک مدیریت جوامع مدرن امروز، عملگرا و روشنمند بودن است که معطوف به دانش، تجربه، عقلانیت، هماهنگی و همکاری جمعی در حوزه سیاسی، بین ساخته‌های سیاسی، نهادهای مدنی و کنشگران سیاسی است. بنابراین، حلقه وصل بین نظام راهبردی فرهنگی کشور با بدنه جامعه مدرن شبکه‌ای شده؛ از یکسو، شناخت و ادراک دقیق مفهوم بافت اجتماعی و از سوی دیگر، نوسازی، توسعه و ارتقای کارکرد کیفی ساخته‌های سیاسی و نهادهای اجتماعی است. بدین‌منظور طراحی الگوی فرهنگ سیاسی مطلوب در انطباق با رویکرد نظری گیدنر در تبیین نظام اجتماعی، الگوهای رفتاری و بازتولید فرهنگ رفتارهای اجتماعی هدف اصلی پژوهش حاضر می‌باشد.

مطالعات توصیفی و میدانی صورت گرفته درباره فرهنگ سیاسی صد ساله اخیر، علت شکست یا عدم موفقیت نهضت مشروطه و ملی شدن نفت را معطوف به اختلافات سیاسی - اجتماعی و فقدان مدیریت راهبردی فرهنگی مطلوب می‌داند. ناهمسازی در سطوح بالای رهبری جناح‌ها و لایه‌های اصلی جامعه، هم‌چون اختلاف بین نخبگان، شکاف بین حوزه و دانشگاه، ناهمسازی قومی و تشدید آن‌ها با دخالت سرویس‌های اطلاعاتی بیگانه مشهود می‌باشد.

در سپهر فرهنگ راهبردی مطلوب با مدیریت فرآیندهای پیوسته اجتماعی "فرهنگ همسازی" در برابر فرایندهای گستته اجتماعی متأثر از "فرهنگ ناهمسازی"، بهتر می‌توان به رفتارهای متعادل اجتماعی دست یافت و به سمت مدیریت راهبردی فرهنگی کشور و ایجاد همسازی بین کنشگران سیاسی حرکت نمود.

همچنین منظور از الگوی فرهنگ راهبردی مطلوب، "فرهنگ همسازی سیاسی"^۱ است که با ایجاد نوعی فضای اجتماعی مطلوب، کنش متقابل دو یا چند شخص یا گروه‌های اجتماعی را فراهم و از ناهمسازی و تعارض پیشگیری کرده یا آن را کاهش داده یا از بین ببرد. اصطلاح «فرهنگ همسازی

حاضر به ابعاد اعتقادی، ارزشی، هنجاری و رفتاری آن توجه شده است. کارکرد اجتماعی این مقوله، تقویت سرمایه اجتماعی، میراث فرهنگی و تمدنی قلمداد می‌شود، چون از قابلیت انتقال بین‌نسلی برخوردار است.

دغدغه نگارندگان پژوهش حاضر این است که چرا با تغییر نظام‌های سیاسی گذشته (قاجار، پهلوی اول و دوم) و استقرار جمهوری اسلامی، جامعه ایران هنوز هم شاهد برخی رفتارهای ناهمسازانه و اختلاف‌برانگیز در سطوح ملی و راهبردی می‌باشد؛ درحالی که امروزه ضرورت قرار گرفتن جوامع در مسیر توسعه و نوسازی ساختهای سیاسی و اعمال مدیریت راهبردی فرهنگی بدیهی است. با عنایت به موارد فوق، پژوهش حاضر در صدد «طراحی الگوی فرهنگ سیاسی مطلوب» در مدیریت راهبردی فرهنگی کشور است.

مبانی نظری و پیشینه‌شناسی پژوهش

مدیریت راهبردی

اصطلاح مدیریت راهبردی^۱، مرکب از دو واژه مدیریت و راهبرد است. صاحب‌نظران مدیریت را فرآگرد^۲ به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی بر مبنای یک نظام ارزشی که از طریق برنامه‌ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل عملیات برای دستیابی به اهداف تعیین شده، صورت می‌گیرد، تعریف کرده‌اند (رضائیان، ۱۳۷۹: ۸). فرهنگ لغات وبستر^۳ استراتژی یا راهبرد را علم و هنر به کارگیری نیروی بازوی جنگ‌جو برای محافظت و نجات امکانات در یک جنگ تعریف می‌کند (کینز، تام و همکاران، ۱۳۷۹: ۲۹).

برخی از اندیشمندان، مدیریت را «هنر انجام دادن کار به وسیله دیگران» (فالت، ۱۹۲۴) و «فرآگرد تبدیل اطلاعات به عمل، این فرآگرد تغییر و تبدیل را تصمیم‌گیری می‌نامند» (فورستر، ۱۹۶۲). در جمع‌بندی تعاریف فوق، مؤلفه‌های ۱) فعالیت منظم و سازمان‌یافته؛ ۲) وجود هدف‌ها؛ ۳) روابط میان منابع؛ ۴) انجام دادن کار به وسیله دیگران؛ ۵) تصمیم‌گیری از اصول اساسی مدیریت محسوب می‌گردد. بنابراین، مدیریت، فعالیتی است منظم، در جهت تحقق هدف‌های معین که از طریق ایجاد روابط میان منابع موجود، انجام دادن کار با مشارکت افراد دیگر و شرکت فعال در

1- Management Strategic

۲- تغییر به سوی هدف با استفاده از سازوکار بازخورد را فرآگرد گویند.

3- Webster

تصمیم‌گیری، صورت می‌گیرد (علاقه‌مند، ۱۳۸۶: ۱۲).

در تعریفی دیگر، مدیریت راهبردی عبارت از: «هنر و علم به کارگیری صحیح منابع انسانی و امکانات در محیط راهبردی و در جهت تحقق اهداف راهبردی».

فرهنگ

امروزه مقصود از فرهنگ^۱ یک منبع معنابخشی است که خیلی عمیق‌تر از رفتارهای عادات‌گونه اجتماعی است. "الکروبر و کلاک‌هون" در کتاب خود، ۱۶۴ تعریف از فرهنگ را در شش دسته کلی ارائه کرده‌اند. آن‌ها نتیجه‌گیری خود را بدین ترتیب بیان کردند که فرهنگ پدیده‌ای انتزاعی است، اگر فرهنگ فقط همان رفتار باشد، عملًا در حیطه مطالعات روان‌شناسی قرار می‌گیرد. بنابراین، فرهنگ نوعی تصویر ذهنی از رفتار واقعی است، ولی عین رفتار نیست (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۱۶).

برخی نگاه مطلق و حداکثری به فرهنگ دارند، فرهنگ را اساس اندیشه، باورها، ارزش‌ها حتی تمام رفتار و داشته‌های یک جامعه قلمداد می‌کنند، مانند هرسکوویتس^۲، یا در نگاه وصف‌گرایانه به فرهنگ، با مفهومی اشاره می‌شود که مؤلفه‌های اجتماعی از جمله وفاق، اجماع، همکاری و همسازی را نیز شامل می‌گردد، مانند بیدنی^۳ (آشوری، ۱۳۸۹: ۵۱). یا از منظر پیدایش‌شناختی، یک فراورده یا ساخته بشری قلمداد می‌شود. در این تعریف، فرهنگ شامل همه شیوه‌های اندیشه و رفتار است که با میانکش ارتباطی^۴، یعنی با رسانش نمادین، بهجای وراثت ژنتیک، دست‌به‌دست به نسل‌های بعدی می‌رسد (همان: ۷۱).

تعریفی که هم‌پوشانی نظری با این نوشتار دارد، رویکرد پارسونز به «فرهنگ» است. منظور از این رویکرد، استفاده روش‌مند از نظریه کارکردگرایی پارسونز برای ارائه تعریفی است که: ۱) کارکرد فرهنگ را در حوزه فرهنگ سیاسی نشان دهد؛ ۲) ناظر به چگونگی ارتباط سیستمی فرهنگ در انسجام‌بخشی نظام راهبردی فرهنگی کشور، ساخته‌های سیاسی، نهادهای اجتماعی و بین کنسرگران فرهنگ سیاسی باشد؛ ۳) تسهیل کننده در تنظیم چارچوب نظری تحقیق باشد. بنابراین، ابعاد چهارگانه رویکرد پارسونز با جامعه‌پذیرسازی موضوع این تحقیق تطابق نظری دارد.

1- cultur

2- Herskovits

3- Bidny

4- Communicative interaction

سیاست

در علوم سیاسی، برخی مفهوم سیاست^۱ را محدود به حکومت و دولت نموده‌اند و برخی آن را شامل روابط قدرت و تضاد دانسته‌اند. دیوید هلد^۲، از حیث هنجاری و نوآورانه سیاست را تعریف می‌کند، او اعتقاد دارد: مفهوم نوین امر سیاست تحقق عملی ارزش عام آزادی در عرصه عمومی است (held، ۱۹۹۱: ۳۴۰) به نقل از چلبی ، ۱۳۸۹: ۷۳). دیوید ایستون^۳، سیاست را «توزیع آمرانه ارزش‌ها برای جامعه» می‌داند (عالی، ۱۳۹۱: ۲۹). چلبی، پنج عنصر اساسی را در تحلیل ساختاری «مفهوم سیاست» لحاظ می‌کند که زور، علقه امنیتی و رابطه اجباری از نمونه‌های آن است (چلبی، ۱۳۸۹: ۷۴).

مهمترین عنصر تعیین‌کننده و اجرای سیاست، قدرت است و شناخت آن وظیفه اصلی و اولیه علم سیاست می‌باشد. قدرت، همواره هسته و مرکز تقلیل سیاست را به وجود می‌آورد و همه کشاکش‌ها در حوزه سیاسی به قدرت مربوط است. در واقع جوهره سیاست مربوط به ظرفیت‌سازی ساخت‌های سیاسی، نهادهای مدنی، کنشگران سیاسی و دولتمردان برای حفظ یا تغییر در عرصه فعالیت فرهنگ سیاسی است. تعریف عملیاتی نسبتاً فراگیر از سیاست با کارکرد داخلی در پژوهش حاضر به قرار زیر است:

«قدرت استفاده از ظرفیت بسیج منابع جامعه در راستای الگوی فرهنگ سیاسی مطلوب در مدیریت راهبردی فرهنگی کشور».

فرهنگ سیاسی

فرهنگ سیاسی^۴، مفهومی است که ریشه در نظام‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دارد و به همبستگی‌های درونی اجزای گوناگون این نظام‌ها دلالت می‌کند. در واقع، نظام‌های یادشده، آبشنخور اصلی فرهنگ سیاسی محسوب می‌گردند. عبدالرحمن عالم در کتاب «بنیادهای علم سیاست»، تاریخ ابداع و کاربرد فرهنگ سیاسی را برای نخستین بار به گابریل آلموند و سیدنی وربا^۵، نسبت می‌دهد (عالی، ۱۳۸۸: ۱۱۲-۱۱۳). آنان در کتاب «فرهنگ مدنی: ایستارهای سیاسی و دموکراسی در پنج کشور»، فرهنگ سیاسی را چنین تعریف می‌کند: «فرهنگ سیاسی مجموعه‌ای

1- The Political

2- David Held

3- D. Easton

4- Political Cultur

5- Gabriel Almond & Sidney Verba

از تمايلات شناختي، تحليلي و احساسی است که نسبت به پدیده‌های سياسی ابراز می‌شود (Almond and Verba, 1980:38). نگارندگان در تحقیقات خود، الگوی سه بُعدی برای فرهنگ سياسی مطرح می‌نمایند که قابل تطبیق با برخی از نظام‌هاست. بر این اساس، فرهنگ سياسی خاص، فرهنگی است محدود^۱، تبعی^۲ و مشارکتی^۳ (جعفرپور، ۱۳۸۹: ۱۵).

نکته قابل ذکر در دسته‌بندی فوق اين است، که آلموند و وربا اين گونه‌شناسی را در ارتباط با نوسازی ساخت‌ها و سطح توسعه سياسی مطرح نمودند. آنان معتقد‌ند، نظام‌های بدوي دارای فرهنگ سياسی از نوع ده کوره‌اي (محدود) و نظام‌های سنتی به مرحله فرهنگ سياسی اطاعتی (تبعی) دست يافته‌اند و نظام‌های جديد فرهنگ سياسی مشارکتی دارند (بديع، ۱۳۷۹: ۶۰).

بشيريه فرهنگ سياسی را مجموعه نگرش‌ها و ارزش‌هایي تعریف می‌کند که به زندگی سياسی شکل می‌دهد (بشریه، ۱۳۸۰: ۱۱۸). از نظر فارسون و مشایخي، فرهنگ سياسی، بيانگر بینش و نگرش افراد يك جامعه به رويدادهای سياسی و جهت‌گيری سياسی مردم را نسبت به نظام سياسی مشخص می‌کند (فارسون و مشایخي، ۱۳۷۹: ۱۲).

تعريف عملياتي از فرهنگ سياسی در پژوهش حاضر عبارت از:

"مجموعه عقاید، باورها، رفتارها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهایي است که: ۱) روابط افراد جامعه را در سلسه‌مراتب مسئولیت نسبت به ديگران تعیین می‌کند؛ ۲) روابط نظام راهبردی فرهنگی کشور را نسبت به ساخت‌های سياسی و نهادهای مدنی نشان می‌دهد؛ ۳) کارکرد نظام سياسی کشور را نسبت به مؤلفه‌های مدرن سياسی نمایان می‌کند؛ ۴) چگونگي تعامل کنشگران سياسی را بين خود و با دولت‌مردان و ديگر نهادهای اجتماعي را انعکاس می‌دهد؛ ۵) قابلیت و ظرفیت گفتمان‌سازی در جامعه را دارد؛ ۶) قابلیت انتقال نسلی دارد یعنی پيوسته در جامعه تولید و باز تولید می‌شود".

همسازی

کلمه همساز^۴ مطابق آنچه در فرهنگ لغت فارسي وجود دارد، بهمعنای هم‌آهنگ، همدل و موافق آمده است (عميد، ۱۳۹۱، جلد ۲: ۱۹۷۷). معادل لاتين همين کلمه با اصطلاح "Accommodation" بهمعنای "همسازی، تطابق، سازش با مقتضيات محیط" و بهمعنای "سازش با محیط" در فرهنگ انگلیسي وجود دارد (حیيم، ۱۳۶۶: ۴). با اضافه شدن پسوند "ي" نسبت به کلمه همساز، اصطلاح

-
- 1- Parochial
 - 2- Subjective
 - 3- Participatory
 - 4- Accommodation

همسازی به معنای هم‌آهنگی، همدلی و توافقی به حوزه‌های متعدد اندیشه از جمله فرهنگ سیاسی، جامعه‌شناسی، معرفت‌شناسی و حتی معماری نیز تسری یافته است.

اصطلاح "همسازی" در حوزه فرهنگ سیاسی ناظر به نوعی تعامل فکری و رفتاری بین کنشگران سیاسی، دولتمردان و نخبه‌های جامعه است.

همسازی در حوزه جامعه‌شناسی را می‌توان صورتی از فرایند اجتماعی دانست که در آن دو شخص یا بیشتر یا گروه‌های اجتماعی با کنش متقابل می‌کوشند از تعارض پیشگیری کرده یا آن را کاهش داده یا از بین برند (نیک‌گهر، ۱۳۸۷: ۱۶۶). با این وجود، از مفهوم همسازی، نوعی درایت و عقلانیت اجتماعی ناظر به حفظ سرمایه اجتماعی تلقی می‌گردد. همین مفهوم، از منظر جامعه‌شناسی، تشویق به مدارا و یا هم‌زیستی مسالمت‌آمیز است که می‌تواند زمینه را برای همکاری مثبت آماده کند. همسازی اساساً یک رابطه دو جانبه است که در آن طرفین رابطه، افراد، گروه‌ها یا جوامع با یکدیگر در کنش متقابل‌اند.

فرهنگ سیاسی مطلوب

مفهوم «فرهنگ سیاسی مطلوب» در پژوهش حاضر، به نوعی از «فرهنگ همسازی سیاسی»^۱ در فرآیند اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری فرهنگی اطلاق می‌شود تا همراهی حداقلی نیروی‌های اجتماعی را اگر هم کاملاً با هم موافق نیستند، بتوانند با کمترین تنفس در عرصه سیاسی فراهم سازد. در این رویکرد، الگوی «فرهنگ سیاسی مطلوب» به مثابه «کنش‌ها و رفتارهای همسازانه‌ای» است که در نظام مدیریت راهبردی فرهنگی کشور عملیاتی گردد. این الگو قادر به ارتقای هم‌افزایی ظرفیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی داخل نظام می‌باشد که برای گذار از رفتارهای ناهمسازانه به شرایط مطلوب رفتارهای همسازانه طراحی شده است.

ماهیت «ساختهای سیاسی و اجتماعی»^۲ در جامعه امروز، به این واقعیت اشاره دارد که جامعه متشکل از کنش‌های اتفاقی نیست، بلکه خصلت پایدار و سازمان یافته‌ای دارد که همان فرهنگ سیاسی است. ساختار جامعه، اصطلاحی است که به نظم و ترتیب‌های اساسی یا به الگوهای روابط اجتماعی در میان مردم اطلاق می‌گردد. ویژگی‌های ساختاری جامعه، رفتار افراد را شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهد. در عین حال، تلاش می‌شود تا در کنش‌ها، ویژگی‌های ساختاری بازآفرینی شوند و نیز تا اندازه‌ای تغییر یابند (گیدزن، ۱۳۸۹: ۷۹۱).

پیشنه فرهنگ سیاسی ایران

مصلی نژاد می‌نویسد: «در فرهنگ سیاسی ایران نشانه‌های هماهنگی، وفاق و انسجام بسیار محدودند و (عناصر) ناپایداری در فرایندهای ائتلاف سیاسی و اجتماعی جامعه ایران بسیار زیاد» (مصلی نژاد، ۱۳۸۶: ۴۱۳). به اعتقاد "لوئیس کروزر"، «واقعیت‌های اجتماعی ایران بیانگر آن است که بسیاری از نشانه‌های وفاق ملی "ماهیت نمادین" دارند» (مصلی نژاد، ۱۳۸۶: ۴۱۳-۴۱۴).

در بررسی پژوهش‌ها عناصری همچون: «فردگرایی، جمع‌گریزی، رقابت‌ستیزی و غیرمشارکتی بودن فرهنگ سیاسی گذشته ایران (جعفرپور، ۱۳۸۹: ۱۶) مشاهده می‌گردد. نتیجه یک پژوهش میدانی که ناظر به این پرسش است که «آیا خلقيات ما ايرانيان ضعف‌هایي دارد؟»، ۹۶ درصد از جامعه آماری متشكل از اعضای هيئت‌علمی و گروهی از نخبه‌های كشور پاسخ مثبت داده‌اند. در اين پيمايش، هشت مؤلفه ناهمسازی در فرهنگ سیاسی ایران مورد تأکید واقع شده است. بر اساس يافته‌های پژوهش «ضعف فرهنگ کارجمعي، انتقادناپذيری، خودمحوری، رواج دروغ، سختی در گفت‌وگو و توافق پايدار و... از ضفف‌های خلقيات ايران می‌باشد» (فراستخواه، ۱۳۹۴: ۲۰).

توحیدفام در کتاب "موقع توسعه فرهنگی در ایران"، می‌نویسد: "نبود دوره طولانی و مستمر دموکراسی در ایران، از یکسو، موجب عدم رشد فرهنگ مبارزه سالم سیاسی و رقابت‌آمیز و از سوی دیگر، سوق یافتن مخالفان سیاسی به سمت مبارزه مسلحانه و خشنونت‌آمیز شد و نتیجه هر دو مورد مذکور، گسترش فرهنگ حذف و سرز در مبارزات سیاسی به جای کنش و واکنش مساملت‌آمیز و دوستانه بود" (توحیدفام، ۱۳۸۱: ۶۵).

فقدان احزاب سیاسی قدیمی و باسابقه در مدیریت فرهنگ سیاسی ایران، باعث شده تا اغلب سیاستمداران رقیب، با یکدیگر نزاع کنند ... (لینزووسکی، ۱۳۵۳: ۶۵). توحیدفام، عامل توسعه‌نیافتگی فرهنگ سیاسی ایران را وجود نظام شاهنشاهی و مخالفت آن با تقسیم قدرت سیاسی می‌داند و بیان می‌کند، بدین خاطر است که هیچ‌گاه نهادهای مشارکتی نتوانسته‌اند جایگاه واقعی خود را در ایران بیابند (توحیدفام، ۱۳۸۱: ۶۷-۶۶).

برخی محققین معتقد‌ند، به نتیجه مطلوب نرسیدن برخی تحولات اجتماعی همچون انقلاب مشروطه، وجود اختلاف و ناهمسازی بین رهبران بوده است؛ البته ماهیت اختلافات از یکسو معطوف به خاستگاه سنتی و غیرسنتی (مدرن) عناصر و کنشگران فرهنگ سیاسی و از سوی دیگر، ناظر به توسعه‌نیافتگی نظام راهبردی فرهنگی کشور (ساختهای سیاسی و نهادهای مردمی) بوده است.

تبریز نیا (۱۳۷۱)، وجود عناصر فرهنگی توسعه‌نیافته را مانع تحقق مکانیسم‌ها و الزام‌های اصیل مشروطیت قلمداد می‌کند، او معتقد است: «فرهنگ عمومی (آن دوره) تمایلی به تغییرات بنیادی نداشت و به همین بهانه در برابر آن مقاومت‌های جدی نشان داد (تبریز نیا، ۱۳۷۱: ۲۱۵-۲۱۶).

سریع القلم (۱۳۸۹) بیان می‌دارد: "ایران (تا قبل از جمهوری اسلامی) هیچ‌گاه یک ساختار سیاسی مردم‌محور را تجربه نکرده است. بنابراین، بررسی تاریخ سیاسی ایران در واقع مطالعه تاریخ صعود و زوال عشایر است (سریع القلم، ۱۳۸۹: ۵۵).

زونیس^۱، عامل اصلی بی‌اعتمادی و بدینی سیاسی در فرهنگ سیاسی ایران را ناشی از عدم تحرک سیاسی، اجتماعی و اقتصادی (توسعه‌نیافتنگی مدیریت سیاسی) ایرانیان معرفی می‌کند (زونیس، ۱۳۷۸: ۲۲).

مصلی‌نژاد (۱۳۸۶) در تشریح عناصر بدینی، سوءظن و عدم اعتماد به افراد خودی می‌نویسد: «بی‌اعتمادی در عرصه سیاست خارجی به حوزه‌های سیاست داخلی نیز منتقل می‌شود که در آن نیروهای اجتماعی مختلف ستون پنجم دشمن شمرده می‌شوند» (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۵۹-۱۵۸).

براساس تحلیل «یرواند آبراهمیان»، ریشه فرقه‌گرایی ایرانیان معطوف به «سیاست بی‌اعتمادی و سوءظن» قلمداد می‌شود (ایران‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۱۹-۱۱۸؛ اگرچه، نتیجه تحقیق ایران‌نژاد، عناصر ناهمسازی همچون "بی‌اعتمادی"، "سوءظن"، "بدینی"، "غیرمشارکتی" و "فرقه‌گرایی" در فرهنگ سیاسی ایران را تأیید می‌کند، ولی توجه به پیشینه ژئوپلیتیک ایران، حملات نظامی و اشغال سرزمینی که از ناحیه شمال و جنوب توسط روسیه و انگلیس به ایران تحمیل شده، قابل بررسی است.

چارچوب نظری پژوهش

پژوهش حاضر، براساس رویکرد نظری «آلمند و وربا» در تقسیم‌بندی سه‌گانه فرهنگ سیاسی به محدود، تبعی و مشارکتی است و از حیث مدیریت ساختاری معطوف به نظریه کارکردگرایی (پارسونز) است. براساس دو رویکرد نظری یادشده، دستگاه مفهومی یا رویکرد نظری الگوی «فرهنگ سیاسی مطلوب» جهت مدیریت راهبردی فرهنگی کشور ایران ارائه می‌گردد. پژوهش حاضر در صدد آن است تا جامعه‌پذیرسازی فرهنگ سیاسی مطلوب را با اقتباس از رویکرد نظری پارسونز معطوف به الگوهای چهارگانه متعارف^۲ به قرار زیر صورت‌بندی نماید:

1- Zonis

۲- منظور از الگوهای چهارگانه، متعارف کارکردگرایی، نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است.

- الف) حفظ انسجام و همبستگی اجتماعی^۱، این کارویژه بهوسیله نهادهایی چون مذهب، فرهنگ و خانواده انجام می‌شود که مجموعاً تشكیل‌دهنده نظام ارزشی جامعه است.
- ب) ایجاد همبستگی و حل منازعه^۲ که ناظر به نظام هنجاری یا حقوقی جامعه است. در واقع، نظام حقوقی در هر جامعه‌ای مجری این کارویژه است.
- ج) نیل به اهداف^۳ که بهوسیله نظام سیاسی انجام می‌شود.
- د) انطباق با شرایط متغیر و جدید^۴ که بهوسیله نهادهای نظام اقتصادی اجرا می‌گردد (بسیریه، ۱۳۹۲: ۸۵-۸۶).

بنابراین، در شاخص‌سازی دستگاه مفهومی تحقیق حاضر از ابعاد اعتقادی (باورها)، ارزش‌ها (مشروعیت)، هنجارها (حقوقی) و رفتاری (ایستارهای سیاسی و امور عرفی) استفاده شده است. مدل برگرفته شده از نظریه پارسونز معطوف به ابعاد چهارگانه نظری و تعریف عملیاتی در جدول ذیل (جدول شماره ۱) ارائه گردیده است:

جدول ۱. مدل برگرفته شده از رویکرد نظری پارسونز

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها	ابعاد نظری اقتباس شده	نظریه
مشروعیت دینی، مشروعیت اجتماعی (مردم سalarی)	مبنای مشروعیت	باورها و ارزش‌ها	
حقوق اجتماعی، حقوق سیاسی	نظام حقوقی	هنجارها	
احزاب و گروه‌ها، رسانه‌های مجازی، مطبوعات	مؤسسات اجتماعی، توسعه، نوسازی	نهادها	کارکرد کارگزاری
مشارکت سیاسی، فعالیت سیاسی، آزادی بیان و اندیشه	انتخابات، مشارکت مردمی	نقش‌ها	

-
- 1- Pattern Maintenance
 2- Integration
 3- Goal attainment
 4- Adaptation



همچنین از رویکرد نظری آلموند و وربا در تقسیم فرهنگ سیاسی به (محدود، تبعی و مشارکتی)، در ترسیم مدل مفهومی استفاده می‌گردد. بنابراین، دستگاه مفهومی تحقیق حاضر شامل چهار عامل، سیزده مؤلفه و بیست و هفت شاخص است. مدل برگرفته شده است از صورت‌بندی دو رویکرد نظری (آلموند و وربا / پارسونز)، با عنوان مدل مفهومی «فرهنگ سیاسی مطلوب» در جدول ذیل (جدول شماره ۲) ارائه می‌گردد:

جدول ۲. مدل فرهنگ سیاسی مطلوب / تأکید بر ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها	ابعاد	مفهوم
شکل گیری نظام سیاسی از طریق مشارکت مردمی؛ حق تعیین و انتخاب نظام سیاسی؛	باور به مردم سالاری (تعیین نظام سیاسی)		
مطلوبیت افزایش حضور آگاهانه مردم در عرصه سیاسی؛	مشارکت سیاسی (پذیرش خواست اکثریت)		
برابری افراد در فرصت‌های شغلی، تحصیلی و قانون؛ آزادی بیان و تأمین امنیت همه جانبه شهروندان؛ نفی تفتیش عقاید؛	پذیرش حقوق شهروندی	اعتقادی	
تمکین در مقابل عقل جمعی؛ مطلوبیت تکثر اندیشه به مثابه عامل تحرک و پویایی نظام سیاسی؛	خرد جمیعی (پذیرش تفاوت اندیشه و سلیقه‌ها)		
بیطرفی مراجع ناظر به مشارکت مردمی، جابه‌جایی آرام و انتقال مسالمت آمیز قدرت سیاسی، شایسته‌سالاری و گردش نخبگان	عدالت سیاسی	ارزشی	

مفهوم	ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
		قانون‌مداری	نفی هر گونه زیاده‌طلبی سیاسی، حمایت قانونی از فعالیت‌ها و تجمعات سیاسی، نظارت قانونی بر نهادهای مختلف انتخابی و انتصابی
		خوشبینی و اعتماد	اعتماد به تفکیک قوا و استقلال قوای سه‌گانه
		نقد سازنده و انتقاد سالم	فضای واقعی انتقاد به مثابه عامل تحرک و پویایی نظام سیاسی
		فعالیت آزاد سیاسی احزاب ...	فضای آزاد برای گفتگوهای سیاسی، رعایت قواعد بازی سیاسی، حق برگزاری تجمعات قانونی
هنجری		برگزاری انتخابات سالم و رقابتی	آزادی رقابت سیاسی (حق انتخاب شدن و انتخاب کردن)
هنجری		نظرارت عمومی بر نهادها و مسئولین	فعالیت آزادانه رسانه‌های همگانی و مطبوعات...
		عرفي‌سازی فرهنگ سیاسی	ترویج خوشبینی و اعتماد در فرهنگ سیاسی، افزایش ضربت تحمل رقیب در فرهنگ سیاسی، تساهل، مدارا و چانهزنی در فرهنگ سیاسی
رفتاری		همگرایی ملی	همگرایی قومی و مذهبی (بین شیعه و سنی)، همگرایی بازیگران سیاسی (احزاب، گروه‌ها، مسئولین، اصناف)، همگرایی اندیشمندان و خبره‌ها (حوزه و دانشگاه)

در واقع، مدل مفهومی از مطالعه پیشینه‌های پژوهش، رویکرد نظری آلموند و وربا و پاسونز استخراج شده است. روند اعتبارسنجی این مدل پیشنهادی از حیث پایابی و روایی طی فرایند میدانی مبتنی بر تکنیک مصاحبه عمیق با چهل متخصص حوزه‌های مربوطه مورد بررسی قرار گرفته است.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر از روش تحقیق اسنادی، (مدارک علمی و کتابخانه‌ای)، پرسشنامه و از تکنیک مصاحبه عمیق با چهل صاحب‌نظر استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تکنیک تحلیل ساختار عاملی شامل تحلیل عامل اکتشافی و تأییدی، تحلیل مسیر مدل مفهومی و تحلیل مدل مسیر با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای اس.پی.اس.اس و لیزرل استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

داده‌های استخراج شده از پرسشنامه‌ها در محورهای زیر مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند:

- (۱) تحلیل ساختار عاملی، معطوف به تحلیل عامل اکتشافی مدل مفهومی تحقیق؛
- (۲) تحلیل ساختار عاملی، ناظر به تحلیل عامل تأییدی مدل مفهومی تحقیق؛
- (۳) تحلیل مسیر مدل مفهومی تحقیق؛
- (۴) تحلیل مدل مسیر.

به دلیل محدودیت در حجم مطالب مقاله، در این بخش، تنها به تحلیل ساختار عاملی (بندهای ۱ و ۲) که اساس مقاله حاضر محسوب می‌شود، اشاره می‌گردد. مدل مفهومی «فرهنگ سیاسی مطلوب» (نمودار ۲) متجزء از تجزیه و تحلیل داده‌ها (بند ۵) دارای پنج عامل (بعد)، سیزده مؤلفه و بیست و چهار شاخص است. در این بخش، برای شناخت شاخص‌ها و نسبت آن به مؤلفه‌ها و عامل‌ها به صورت تفکیک شده اشاره می‌شود. حال برای این که روشن شود هر شاخص مربوط به کدام مؤلفه و عامل است، از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده و نتیجه آن به تفکیک هر عامل به قرار زیر آمده است.

الف) عامل اعتقادی

مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به عامل اعتقادی در جدول ذیل (جدول شماره ۳) ارائه می‌گردد:

جدول ۳. مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به عامل اعتقادی

عامل	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
اعتقادی (A1)	مشارکت سیاسی (B1) پذیرش حقوق شهروندی (B2) خرد جمعی (B3)	مطلوبیت افزایش حضور آگاهانه مردم در عرصه سیاسی (C1) برابری افراد در فرصت‌های شغلی، تحصیلی و قانون (C2) آزادی بیان و تامین امنیت همه جانبه شهروندان (C3) نفی نفتیش عقاید (C4) مطلوبیت تکثر اندیشه به مثابه عامل تحرک و پویایی نظام سیاسی (C5)

آزمون همبستگی پرسون مؤلفه‌ها و شاخص‌های عامل اعتقادی در جدول ذیل (جدول شماره ۴)

ارائه می‌گردد:

جدول ۴. آزمون همبستگی پرسون مؤلفه‌ها و شاخص‌های عامل اعتقادی

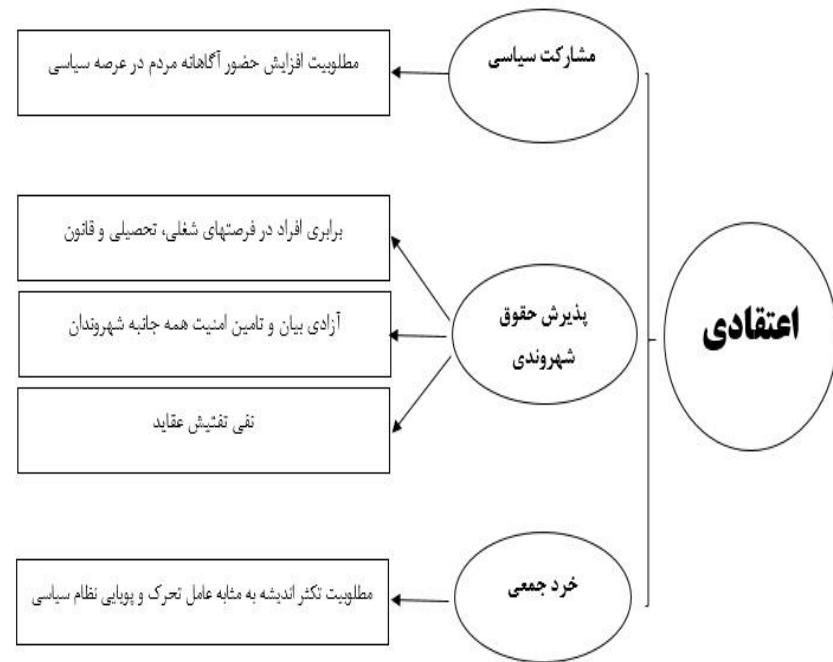
C5	C4	C3	C2	C1	ضریب پرسون Sig. (2-tailed)	B1
۰/۲۳۰	۰/۲۷۹	۰/۲۷۵	۰/۲۷۰	۰/۷۰۷	ضریب پرسون Sig. (2-tailed)	
۰/۱۷۵	۰/۰۹۹	۰/۱۰۰	۰/۱۰۵	۰/۰۰۱		
۰/۲۳۲	۰/۶۱۷	۰/۵۳۹	۰/۴۷۵	۰/۲۱۰	ضریب پرسون Sig. (2-tailed)	B2
۰/۱۷۳	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۰/۱۲۱		
۰/۵۱۱	۰/۱۸۸	۰/۲۷۵	۰/۲۷۸	۰/۱۹۸	ضریب پرسون Sig. (2-tailed)	B3
۰/۰۰۱	۰/۲۸۹	۰/۰۹۵	۰/۰۹۸	۰/۳۰۲		

با توجه به جدول فوق، مؤلفه‌ی B1 شامل شاخص C1، مؤلفه‌ی B2 شامل شاخص‌های C2 تا

C4 و مؤلفه‌ی B3 شامل شاخص‌های C5 می‌شوند. عامل اعتقادی در نمودار ذیل (نمودار شماره

(۱) ارائه می‌گردد:





نمودار ۱. مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به عامل اعتقادی

ب) عامل ارزشی

مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به عامل ارزشی در جدول ذیل (جدول شماره ۵) ارائه می‌گردد:

جدول ۵. مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به عامل ارزشی

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها	عامل
ب) طرفی مراجع ناظر به مشارکت مردمی (C6) جایه‌جایی آرام و انتقال مسالمت آمیز قدرت سیاسی (C7) شایسته سالاری و گردش نخبگان (C8) نفی هر گونه زیاده طلبی سیاسی (C9) حمایت قانونی از فعالیت‌ها و تجمعات سیاسی (C10)	عدالت سیاسی (B4) قانون‌مداری (B5) خوش‌بینی و اعتماد (B6) نقد سازنده و انتقاد سالم (B7)	ارزشی (A2)

عامل	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
		اعتماد به تفکیک قوا و استقلال قوای سه‌گانه (C11) فضای واقعی انتقاد به مثابه عامل تحرک و پویایی نظام سیاسی (C12)

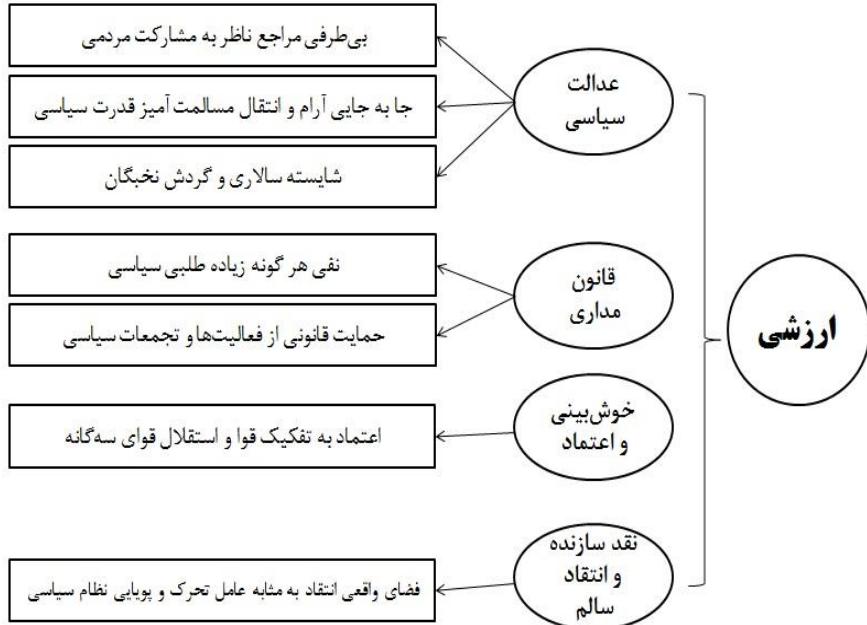
آزمون همبستگی پرسون مؤلفه‌ها و شاخص‌های عامل ارزشی در جدول ذیل (جدول شماره ۶) ارائه می‌گردد:

جدول ۶. آزمون همبستگی پرسون مؤلفه‌ها و شاخص‌های عامل ارزشی

C12	C11	C10	C9	C8	C7	C6	ضریب پرسون Sig. (2-tailed)	B4
۰/۱۹۳	۰/۱۸۵	۰/۱۸۰	۰/۱۹۵	۰/۷۶۷	۰/۵۴۹	۰/۰۰۵		
۰/۲۶۱	۰/۲۸۲	۰/۳۰۴	۰/۲۵۴	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲		
C12	C11	C10	C9	C8	C7	C6	ضریب پرسون Sig. (2-tailed)	B5
۰/۱۳۰	۰/۰۲۶	۰/۶۵۹	۰/۷۵۲	۰/۰۲۶	۰/۲۴۱	۰/۱۳۲		
۰/۴۴۹	۰/۸۷۸	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۸۷۸	۰/۱۵۸	۰/۴۴۴		
C12	C11	C10	C9	C8	C7	C6	ضریب پرسون Sig. (2-tailed)	B6
۰/۰۶۰	۰/۳۷۸	-۰/۰۳۸	۰/۰۵۰	-۰/۱۶۰	-۰/۰۰۵	-۰/۲۱۵		
۰/۷۲۹	۰/۰۲۳	۰/۸۲۶	۰/۷۷۴	۰/۳۵۰	۰/۹۷۵	۰/۲۰۸		
C12	C11	C10	C9	C8	C7	C6	ضریب پرسون Sig. (2-tailed)	B7
۰/۶۵۸	۰/۲۳۲	۰/۲۷۹	۰/۱۹۸	۰/۲۴۲	۰/۱۹۰	۰/۱۳۵		
۰/۰۰۱	۰/۱۷۳	۰/۰۹۹	۰/۳۰۲	۰/۱۵۴	۰/۲۶۵	۰/۴۳۷		

با توجه به جدول فوق، مؤلفه‌ی B4 شامل شاخص‌های C6، C7 و C8، مؤلفه‌ی B5 شامل شاخص‌های C9 تا C10، مؤلفه‌ی B6 شامل شاخص C11 و مؤلفه‌ی B7 شامل شاخص C12 می‌شوند. عامل ارزشی در نمودار ذیل (نمودار شماره ۲) ارائه می‌گردد:





نمودار ۲. مؤلفه ها و شاخص های مربوط به عامل ارزشی

ج) عامل هنجاری

مؤلفه ها و شاخص های مربوط به عامل هنجاری در جدول ذیل (جدول شماره ۷) ارائه می گردد:

جدول ۷. مؤلفه ها و شاخص های مربوط به عامل هنجاری

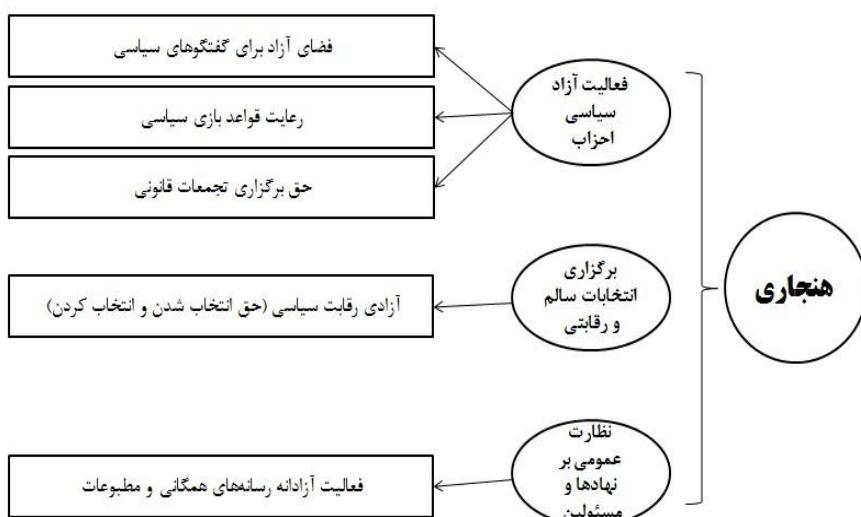
شاخص ها	مؤلفه ها	عامل
فضای آزاد برای گفتگوهای سیاسی (C13) رعایت قواعد بازی سیاسی (C14) حق برگزاری تجمعات قانونی (C15) آزادی رقابت سیاسی (حق انتخاب شدن و انتخاب کردن) (C16) فعالیت آزادانه رسانه های همگانی و مطبوعات (C17)	فعالیت آزاد سیاسی احزاب (B8) برگزاری انتخابات سالم و رقابتی (B9) نظارت عمومی بر نهادها و مسئولین (B10)	هنجاری (A3)

آزمون همبستگی پرسون مؤلفه‌ها و شاخص‌های عامل هنجاری در جدول ذیل (جدول شماره ۸) ارائه می‌گردد:

جدول ۸ آزمون همبستگی پرسون مؤلفه‌ها و شاخص‌های عامل هنجاری

C17	C16	C15	C14	C13		
۰/۲۷۵	۰/۱۸۰	۰/۷۰۴	۰/۶۱۶	۰/۵۹۹	ضریب پرسون Sig. (2-tailed)	B8
۰/۰۹۵	۰/۳۰۴	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱		
۰/۲۴۲	۰/۶۴۳	۰/۱۳۲	۰/۱۹۰	۰/۱۹۳	ضریب پرسون Sig. (2-tailed)	B9
۰/۱۵۴	۰/۰۰۱	۰/۴۴۴	۰/۲۶۵	۰/۲۶۱		
۰/۴۹۸	-۰/۲۱۵	۰/۲۱۰	۰/۲۷۹	۰/۲۴۱	ضریب پرسون Sig. (2-tailed)	B10
۰/۰۰۲	۰/۲۰۸	۰/۱۲۱	۰/۰۹۹	۰/۱۵۸		

با توجه به جدول فوق، مؤلفه‌ی B8 شامل شاخص‌های C13، C14 و C15، مؤلفه‌ی B9 شامل شاخص C16 و مؤلفه‌ی B10 شامل شاخص C17 می‌شوند. عامل هنجاری در نمودار ذیل (نمودار شماره ۳) ارائه می‌گردد:



نمودار ۳. مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به عامل هنجاری

د) عامل رفتاری

مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به عامل رفتاری در جدول ذیل (جدول شماره ۹) ارائه می‌گردد:

جدول ۹. مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به عامل رفتاری

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها	عامل
<p>ترویج خوشبینی و اعتماد در فرهنگ سیاسی (C18)</p> <p>تساهل، مدارا و چانهزنی در فرهنگ سیاسی (C19)</p> <p>همگرایی قومی و مذهبی (بین شیعه و سنی ...) (C20)</p> <p>همگرایی بازیگران سیاسی (احزاب، گروه‌ها، مسئولین، اصناف) (C21)</p> <p>همگرایی اندیشمندان و خبره‌ها (حوزه و دانشگاه) (C22)</p>	<p>عرفی‌سازی فرهنگ سیاسی (B11)</p> <p>همگرایی ملی (B12)</p>	<p>رفتاری (A4)</p>

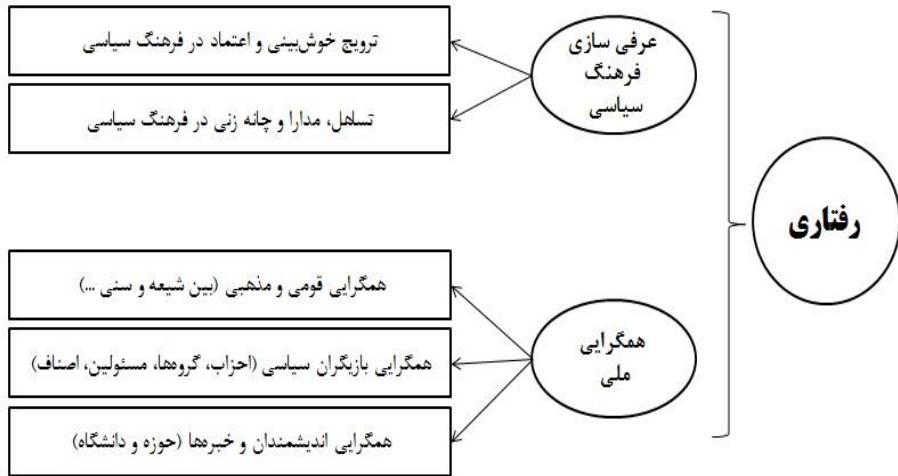
آزمون همبستگی پرسون مؤلفه‌ها و شاخص‌های عامل رفتاری در جدول ذیل (جدول شماره ۱۰)

ارائه می‌گردد:

جدول ۱۰. آزمون همبستگی پرسون مؤلفه‌ها و شاخص‌های عامل رفتاری

C22	C21	C20	C19	C18	ضریب پرسون Sig. (2-tailed)	B11
۰/۰۲۶ ۰/۸۷۸	۰/۲۷۵ ۰/۰۹۵	۰/۲۴۲ ۰/۱۵۴	۰/۵۵۲ ۰/۰۰۱	۰/۵۲۴ ۰/۰۰۱	ضریب پرسون Sig. (2-tailed)	B11
۰/۵۲۲ ۰/۰۰۱	۰/۵۰۱ ۰/۰۰۲	۰/۴۹۹ ۰/۰۰۲	۰/۲۵۹ ۰/۱۱۶	۰/۲۷۹ ۰/۰۹۹	ضریب پرسون Sig. (2-tailed)	B12

با توجه به جدول فوق، مؤلفه‌ی B11 شامل شاخص‌های C18 و C19 و مؤلفه‌ی B12 شامل شاخص‌های C20 تا C22 می‌شوند. عامل رفتاری در نمودار ذیل (نمودار شماره ۴) ارائه می‌گردد:



نمودار ۴. مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به عامل رفتاری

ه) عامل زیرساختی

مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به عامل زیرساختی در جدول ذیل (جدول شماره ۱۱) ارائه می‌گردد:

جدول ۱۱. مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به عامل زیرساختی

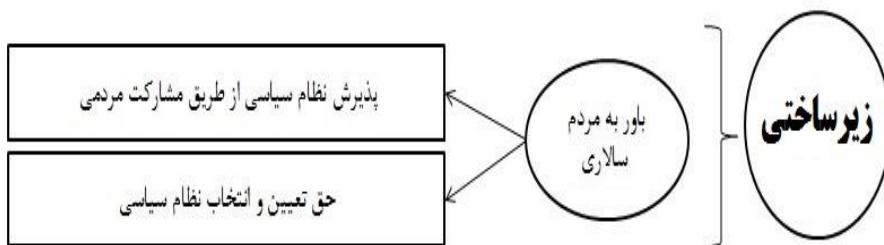
عامل	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
زیرساختی (A5)	باور به مردم سalarی (B13)	پذیرش نظام سیاسی از طریق مشارکت مردمی (C23) حق تعیین و انتخاب نظام سیاسی (C24)

آزمون همبستگی پرسون مؤلفه‌ها و شاخص‌های عامل زیرساختی در جدول ذیل (جدول شماره ۱۲) ارائه می‌گردد:

جدول ۱۲. آزمون همبستگی پرسون مؤلفه‌ها و شاخص‌های عامل زیرساختی

C24	C23		
۰/۴۴۱	۰/۶۵۹	ضریب پرسون	
۰/۰۰۷	۰/۰۰۱	Sig. (2-tailed)	B13

با توجه به جدول فوق، مؤلفه‌ی B13 شامل شاخص‌های C23 و C24 می‌شوند. عامل زیرساختی در نمودار ذیل (نمودار شماره ۵) ارائه می‌گردد:



نمودار ۵. مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به عامل زیرساختی

نتیجه روند تجزیه و تحلیل داده‌ها منجر به استخراج مدل مفهومی «فرهنگ سیاسی مطلوب» در پنج عامل، سیزده مؤلفه و بیست و چهار شاخص گردید که در جدول ذیل (جدول شماره ۱۳) ارائه می‌گردد:

جدول ۱۳. شاخص‌ها، مؤلفه‌ها و عوامل مدل مفهومی «فرهنگ سیاسی مطلوب»

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها	عوامل
پذیرش نظام سیاسی از طریق مشارکت مردمی	باور به مردم سالاری	زیرساختی
حق تعیین و انتخاب نظام سیاسی		
مطلوبیت حضور آگاهانه مردم در عرصه سیاسی	مشارکت سیاسی	اعتقادی

عوامل	مولفه‌ها	شاخص‌ها
	پذیرش حقوق شهر وندی	برابری فرصت‌های شغلی، تحصیلی و قانونی
	خرد جمعی	آزادی بیان سیاسی و تأمین امنیت همه‌جانبه شهر وندان نفو جست‌وجوی عقاید
	عدالت سیاسی	مطلوبیت تکثر اندیشه به مثابه عامل تحرک و پویایی نظام سیاسی
ارزشی	قانون‌مداری	بی‌طرفی مراجع ناظر به مشارکت مردمی جابجایی آرام و مسالمت‌آمیز قدرت سیاسی شایسته‌سالاری و گردش نخبه‌ها نفو هرگونه زیاده‌طلبی سیاسی حمایت قانونی از فعالیت‌ها و تجمعات سیاسی
	خوش‌بینی و اعتماد	اعتماد به تفکیک قوا و استقلال قوای سه‌گانه
	نقد سازنده و انتقاد سالم	فضای واقعی انتقاد به مثابه عامل تحرک و پویایی نظام سیاسی
هنچاری	فعالیت آزاد سیاسی احزاب ...	فعالیت آزاد برای گفتگوهای سیاسی رعایت قواعد بازی سیاسی حق برگزاری تجمعات قانونی
	برگزاری انتخابات سالم و رقابتی	آزادی رقابت سیاسی (حق انتخاب شدن و انتخاب کردن)
	نظرارت عمومی بر نهادها و مسئولین	فعالیت آزادانه رسانه‌های همگانی و مطبوعات
رفتاری	عرفي‌سازی فرهنگ سیاسی	ترویج خوش‌بینی و اعتماد در فرهنگ سیاسی تساهل، مدارا و چانه‌زنی در فرهنگ سیاسی
	همگرایی ملی	همگرایی قومی و مذهبی (بین شیعه و سنی...) همگرایی بازیگران سیاسی (احزاب، گروه‌ها، مستویان، اصناف)
		همگرایی اندیشمندان و خبره‌ها (حوزه و دانشگاه)

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

مدل مفهومی «فرهنگ سیاسی مطلوب» از آن جهت که مورد اعتبار سنجی قرار گرفته و در سطح نمونه آماری منتخب و متخصص تأیید شده است؛ بهمثابه یک الگوی نظری (مشتمل بر پنج عامل، سیزده مؤلفه و بیست و چهار شاخص)، قابلیت بهره‌گیری در مدیریت راهبردی فرهنگی کشور را دارد.

دستاورد پژوهش حاضر، این گزاره را تأیید می‌نماید که «جامعه در جهان مدرن امروز پدیده‌ای پویا، تأثیرگذار و تأثیرپذیر به شمار می‌رود. دسترسی مردم به منابع اطلاعاتی و ابزارهای ارتباط جمعی؛ نشان از شکل‌گیری قدرت جدید اجتماعی (شبکه‌ای شدن جامعه) دارد و فرهنگ سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. جامعه جدید، به اقتضای برخورداری از ساختهای سیاسی شبکه‌ای به فرهنگ سیاسی مطلوب این ساختهای می‌پردازد و نیازمند مدیریت راهبردی فرهنگی تعامل‌گرا و همسازانه خواهد بود؛ مدیریتی که معطوف به دانش، تجربه، عقلانیت، هماهنگی و همکاری همه ذی‌نفعان در حوزه سیاسی باشد».

موافقیت مدیریت راهبردی جامعه معاصر ایران، بدون رفع محدودیت‌هایی که ریشه در برخی رویکردهای مدیریت سیاسی پیشین داشته، ممکن نیست. فرهنگ سیاسی مطلوب با مؤلفه‌ها و شاخص‌های به دست آمده در این پژوهش می‌تواند مردم‌سالاری دینی را نهادینه سازد.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- آشوری، داریوش (۱۳۸۹). تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، چاپ چهارم، تهران: نشر آگه.
- ایران‌نژاد، علیرضا (۱۳۸۵). تدوین مبانی و مفروضات اساسی فرهنگ کشور، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۰). موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران: نشر گام نو.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، چاپ بیست و یکم، تهران: نشر نی.
- تبریزی‌نا، حسین (۱۳۷۱). علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران، تهران: مرکز نشر بین‌الملل.
- توحیدی‌فam، محمد (۱۳۸۱). موانع توسعه فرهنگی در ایران، چاپ اول، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- جعفری‌پور کلوری، رشید (۱۳۸۹). فرهنگ سیاسی در ایران، چاپ اول، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- جمعی از نویسنده‌گان (بی‌تا). فرهنگ فلسفه و علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی نظم، چاپ پنجم، تهران: نشر نی.
- رضائیان، علی (۱۳۷۹). مبانی سازمان و مدیریت، چاپ اول، تهران: سمت.
- روشه، گی (۱۳۷۹). کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی‌زاده، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۹). فرهنگ سیاسی ایران، چاپ اول، تهران: نشر فرزان.
- سمیح، فارسون؛ مشایخی، مهرداد (۱۳۸۷). فرهنگ سیاسی، ترجمه معصومه خالقی، چاپ دوم، تهران: انتشارات مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- سورین، ورنر؛ تانکارد، جیمز (۱۳۸۶). نظریه‌های ارتباطات، ترجمه علیرضا دهقان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شایان‌مهر، علی‌رضا (۱۳۷۷). دایرةالمعارف تطبیقی علوم اجتماعی، چاپ اول، تهران: نشر کیهان.
- صالحی‌امیری، سید رضا (۱۳۸۶). مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، چاپ اول، تهران: انتشارات ققنوس.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۱). بنیادهای علم سیاست، چاپ بیست و چهارم، تهران: نشرنی.
- علاقه‌بند، علی (۱۳۸۶). مدیریت عمومی (ویراست دوم)، چاپ شانزدهم، تهران: نشر روان.

- عمید، حسن (۱۳۹۱). فرهنگ فارسی عمید، جلد دوم، چاپ سی و یکم، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- فرات خواه، مقصود (۱۳۹۴). ما ایرانیان: زمینه کاوی تاریخی و اجتماعی خلقيات ايراني، چاپ اول، تهران: نشر نى.
- کينز، تام و همكاران (۱۳۷۹). طرح ريزی واحدهای صنعتی، ترجمه رضا زنجيراني فراهاني، چاپ اول، تهران: ترمه.
- گيدنز، آنتونى (۱۳۸۹). جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ بیست و پنجم، تهران: نشر نى.
- لینزوسکی، جورج (۱۳۵۳). رقابت روسیه و غرب در ایران، ترجمه اسماعیل رائین، تهران: نشر جاویدان.
- مصلی نژاد، عباس (۱۳۸۶). فرهنگ سیاسی در ایران، چاپ اول، تهران: نشر فرهنگ صبا.
- مندارس، هانری (۱۳۴۹). مبانی جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- نیک گهر، عبدالحسین (۱۳۸۷). مبانی جامعه شناسی، چاپ دوم، تهران: انتشارات توپيا.

(ب) منابع انگلیسي

- Almond, Gabriel A. & Verba, S. (1968). Principal investigators, The Five Natin Study, Ann Arbor, MI: Michigan University.
- Almond, Gabriel A. & Verba, Sidney. (1989). "The Civic Culture: Political Attitudes and Democracy in Five Nations". Princeton, N .J: Princeton University Press.
- Zonis, M. (1971). "The Political Elite of iran", Princeton: Princeton University Press.

